

## Hoarding and the conditions for proving it and its examples

Alireza nami<sup>1</sup>, Hossein nami<sup>2</sup>

### Abstract

As a securities market participant, the market maker can play an important role in controlling the market and its liquidity. The obligations and duties of this person in order to conduct marketing are basically possible and imaginable against three categories of persons: against the stock exchange, against the investor (the party to the marketing financing contract) and against the shareholders and investors in the shares subject to marketing. Liability of the market maker to any of the latter requires consideration of the type of legal relationship between them; Accordingly, if the existence of a contract between the market operator and any of these persons is established, the market manager's liability is subject to the terms of the contractual liability; Otherwise, the claimant must prove the terms and conditions of non-contractual civil liability in order to be compensated. Also, in a contractual relationship, the market maker must consider the positive aspect of the case and hold him liable for damages, given that his obligations are in the category of liability by or commitment to the result.

**Keywords:** Market maker, Investor, Stock exchange, Third party, Shareholder.

---

1 M.A. Student in Criminal Law and Criminology, Shiraz University

Email: [Alirezanami2@gmail.com](mailto:Alirezanami2@gmail.com)

2 M.A. Student in Notary Law, Official Documents, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran

Email: [Erfannami74@gmail.com](mailto:Erfannami74@gmail.com)

Received 20/11/2021 - Accepted: 20/12/2021



This is an open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

DOI: 10.22034/LTH.2021.248595

## احتکار، شرایط اثبات و مصادیق آن

علیرضا نامی<sup>۱</sup>، حسین نامی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۹

### چکیده

احتکار یکی از جرایم مخرب اقتصادی است که سلامت نظام اقتصادی جامعه را در مواقع حساس و اضطراری به خطر می‌اندازد و دسترسی بیشتر افراد جامعه به یک یا چند کالای خاص را با مشکل مواجه می‌کند. شرایط وقوع بزه احتکار این است که باید اولاً نگهداری کالا عمده باشد، ثانیاً قصد اضرار به جامعه یا گران‌فروشی وجود داشته باشد و ثالثاً مرجع ذی‌صلاح تقاضای عرضه کرده باشد. ماهیت احتکار، در نظر نگارنده، یک حکم حکومتی است، نه یک حکم شرعی و موضوع آن براساس صلاح‌دید حاکم تعیین می‌شود. در احتکار، قاعده تسلیط با قاعده لاضرر تراحم پیدا می‌کند که ما قاعده لاضرر را بر قاعده تسلیط ارجح می‌دانیم. بزه احتکار در مواردی، با افساد فی الارض نیز هم‌پوشانی دارد که می‌توان محتکر را مفسد فی الارض نیز شناخت. این مقاله به دنبال حل اختلافات در ماهیت، موضوع و مقاصد وقوع بزه احتکار، مرجع قیمت‌گذاری کالای احتکار شده و مقایسه این جرم اقتصادی با افساد فی الارض است.

**واژگان کلیدی:** احتکار، جرم اقتصادی، افساد فی الارض، حکم حکومتی، گران‌فروشی.

(۱) دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

[Alirezanami2@gmail.com](mailto:Alirezanami2@gmail.com)

(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق سردفتری اسناد رسمی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران

[Erfannami74@gmail.com](mailto:Erfannami74@gmail.com)

## مقدمه

احتکار، به عنوان یک بزه اقتصادی، آثار مخربی بر اقتصاد جامعه وارد می‌کند. فقهای اسلامی بر ناپسند بودن این عمل اتفاق نظر دارند، اما در برخی موارد، در حرمت یا کراهت آن، اختلافاتی بین فقها دیده می‌شود (شهید ثانی، ۱۴۱۴: ۱۹۱/۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۰۳/۲؛ سید محمدتقی مدرس، ۱۳۹۰: ۲۷۵). چنانکه شیخ مرتضی انصاری در کتاب *المکاسب و الشرائع و المختلف الکراهه و عن کتب المبسوط و المقنعه و الحلبی فی کتاب المکاسب و الشرائع و المختلف الکراهه و عن کتب الصدوق و الاستبصار و السرائر و القاضی و التذکره و التحریر و الايضاح و الدروس و جامع المقاصد و الروضه التحريم*؛ در حرمت احتکار اختلاف شده است، چنانکه از *المبسوط و المقنعه و از حلبی در کتاب مکاسب و شرایع و المختلف کراهت برمی‌آید و از کتاب‌های صدوق و الاستبصار و السرائر و القاضی و التذکره و التحریر و الايضاح و الدروس و جامع المقاصد و الروضه حرمت احتکار برمی‌آید.* (انصاری، ۱۴۱۱: ۲۹۴/۲)

«احتکار نوعی ایجاد بازار سیاه است و می‌دانیم حکومت اسلامی حق دارد انبارهای محتکران

را بگشاید و کالاها را به مردم عرضه کند.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۰۳/۲)

امیرالمؤمنین در نامه ۵۳ *نهج البلاغه*، به مالک اشتر می‌فرماید: «فَمَنْ قَارَفَ حُكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَنُكِّلْ بِهِ وَ عَاقِبُهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ؛ هرگاه کسی پس از نهی تو، دست به احتکار زد، او را مجازات کن، ولی در مجازاتش از زیاده‌روی بپرهیز.»

دولت در مقابله با احتکار، پس از طرح درخواست و عدم اجابت محتکران، اموال احتکارشده آن‌ها را به بازار می‌آورد و آن را با قیمت عادلانه به فروش می‌رساند.

در این که موضوع احتکار تنها شامل مواد خوراکی است یا شامل تمامی مایحتاج جامعه می‌شود، اختلافاتی به وجود آمده است که در این مقاله، این اختلافات را بررسی و در قسمت نتیجه، درست‌ترین نظرات را انتخاب می‌کنیم.

## تعریف احتکار

احتکار، در لغت، به معنای ذخیره‌سازی و نگهداری و در اصطلاح، «الإحتکار و هو حب الطعام لانتظار الغلاء؛ احتکار همان نگهداری طعام به انتظار گران شدن آن است» (خمینی، ۱۳۶۸: ۴۱۰/۳).

احتکار در معنای حقوقی نیز معنای مشابهی دارد که براساس ماده ۶۰ قانون نظام صنفی (مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴)، «عبارت است از نگهداری کالا، به صورت عمده، با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن، به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه، پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی ربط.»

### حکم حکومتی یا حکم شرعی الهی بودن احتکار

سؤال اصلی درخصوص ماهیت احتکار، این است که آیا احتکار یک حکم حکومتی است که ولی فقیه، در صورت صلاح‌دید، آن را صادر می‌کند و هر زمانی که صلاح بداند، آن را برمی‌دارد یا آن که یک حکم شرعی است که حاکم حق دخل و تصرف در آن را ندارد؟

امام خمینی □ درباره این موضوع، ذیل روایت صحیحۀ حذیفه بن منصور از امام صادق □ می‌فرماید: «و الظاهر أن أمره بالإخراج و النهی عن الحبس حکم إلهی شرعی، لا مولوی سلطانی.» (خمینی، ۱۴۲۱: ۶۰۳/۳)

به اعتقاد فقهای که احتکار را یک حکم شرعی می‌دانند، ظاهر امر این است که احتکار یک حکم شرعی است، زیرا اولاً اوامر و نواهی‌ای که از معصومین □ صادر می‌شود اصولاً یک حکم الهی است و ثانیاً نهی از احتکار، علاوه بر این که توسط پیامبر اکرم □ و امیرالمؤمنین □، که حاکم جامعه بودند، صادر شده، توسط امام باقر □ و امام صادق □، که حاکم جامعه نبوده‌اند تا بتوانند حکم حکومتی صادر کنند نیز صادر شده‌است.

اما به دلایلی، که مطرح خواهد شد، بهتر آن است که آن را یک حکم حکومتی و در اختیار ولی فقیه بدانیم. اولاً این که امام خمینی □ احتمال حکم حکومتی بودن احتکار را رد نکرده‌اند و در ادامه می‌فرمایند: «بل لو كان حکماً سلطانیاً منه □ فهو نافذ علی الأمة إلی الأبد» (خمینی، ۱۴۲۱: ۶۰۳/۳). ثانیاً اقلام و قوت مورد نیاز مردم در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، به شدت دستخوش تغییر می‌شود و اگر ما احتکار را حکم شرعی بدانیم، ملزم به محدود کردن موضوع احتکار به موارد خاصی از طعام می‌شویم و سایر اقلام و کالاهای ضروری از موضوع احتکار خارج می‌شوند، اما اگر آن را حکم حکومتی و در اختیار ولی فقیه و براساس صلاح‌دید او بدانیم، می‌توان براساس صلاح‌دید حاکم، اقلام و کالاهای مورد نیاز مردم را، که توسط برخی افراد حبس شده‌اند و قصد گران‌فروشی یا ضرر به جامعه را

دارند، از موارد احتکار به حساب آورد و با این افراد برخورد کرد (منتظری، ۱۴۱۵: ۶۴۵/۳). ثالثاً حاکم بودن معصوم □ منحصر به حکومت ظاهری و مادی نیست، بلکه معصوم از باب حکومت معنوی خود هم می‌تواند حکم حکومتی صادر نماید.

«اگرچه حبس متاع و کالا در تمامی مایحتاج مردم، عملی ناپسند و نفرت‌انگیز است، ولی احکام احتکار برای غیر اجناس یادشده ثابت نیست. موارد یادشده در حرمت احتکار، مواردی است که به حکم اولی، از طرف شارع حرام شده‌است، ولی حاکم اسلامی می‌تواند از احتکار هر کالایی که برخلاف مصالح عمومی باشد، جلوگیری کرده، مشمول قانون حرمت احتکار قرار دهد. چنانکه حضرت امام □ در یک حکم کلی، اختیارات حاکم اسلامی را این‌گونه بیان می‌کند: "امام □ و حاکم مسلمانان می‌تواند آنچه را که به صلاح مسلمانان است انجام دهد، از قبیل تثبیت قیمت‌ها یا صنعت یا انحصار تجارت و مانند این‌ها، از اموری که در نظام و صلاح جامعه دخالت دارد. بدیهی است که این حکم، منع احتکار در غیر موارد منصوص را نیز شامل است و جلوگیری از آن را از اختیارات حاکم اسلامی شمرده‌است.» (یوسفیان، ۱۳۸۵: ۷۷/۱)

### قصد در احتکار

در باب مقاصد در بزه احتکار، در فقه، با چهار فرضیه مواجه هستیم:

**فرضیه اول:** احتکار و حبس طعام با قصد گران‌فروشی، که اغلب فقها و حقوق‌دانان این فرضیه را از مقاصد موردنیاز در بزه احتکار می‌دانند؛

**فرضیه دوم:** قصد در بزه احتکار، علاوه بر گران‌فروشی می‌تواند اضرار به افراد جامعه یا براندازی نیز باشد که این فرضیه مورد اختلاف قرار گرفته‌است.

دسته‌ای از فقها بر حرمت بزه احتکار با قصد اضرار به افراد جامعه حکم کرده‌اند: «إِذَا فُرِضَ الْإِحْتِكَارُ إِلَى غَيْرِ الطَّعَامِ مِنَ الْأُمُورِ الضَّرُورِيَّةِ لِلْمُسْلِمِينَ، كَالدَّوَاءِ وَالْوُقُودِ فِي الشَّتَاءِ، بَحِيثٌ اسْتَلْزَمَ مِنْ إِحْتِكَارِهَا الْحَرَجُ وَالضَّرَرُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ، فَمَقْتَضَى أَدْلَةُ الْحَرَجِ وَالضَّرَرِ حَرْمَتَهُ وَإِنْ لَمْ يَصْدَقْ عَلَيْهِ لَعْنَةُ الْإِحْتِكَارِ.» (محقق حائری، ۱۳۸۳: ۱۹۷/۱) صدر ماده ۶۰ قانون نظام صنفی نیز با عبارت «احتکار: عبارت است از نگهداری کالا، به صورت عمده، با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع

از عرضه آن، به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه، پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط» به‌درستی از این نظر پیروی کرده‌است. لکن دسته‌ای از فقها این فرضیه را اگرچه حرام می‌دانند، اما مصداق بزه احتکار نمی‌دانند و گفته‌اند: «گاهی حبس طعام برای این نیست که گران بفروشد، بلکه برای آن است که به جان و مال مسلمانان ضرر برساند و قصد براندازی و ضربه زدن به نظام را دارد. این اگرچه از باب اضرار به مسلمانان حرمت دارد، ولی از باب احتکار، به عنوان اولی، حرام نیست و مشمول بحث نمی‌باشد.» (محمدی خراسانی، ۱۳۸۸: ۴۴۵/۱)

**فرضیه سوم:** حبس طعام به‌دلیل آینده‌نگری، برای در امان ماندن از قحطی، به‌منظور کمک به مسلمانان، که این قصد جزو مصادیق احتکار نیست.

**فرضیه چهارم:** حبس طعام به‌دلیل ترس از گران شدن و عدم توانایی برای خرید آن در آینده، که این قصد هم جزو مصادیق احتکار نیست و برعکس در برخی روایات توصیه شده‌است که مؤمنان تا قوت یک سالشان را ذخیره کنند.

## موضوع احتکار

سؤال اساسی در موضوع احتکار این است که آیا بزه احتکار تنها در مواد غذایی صورت می‌گیرد یا در تمامی مایحتاج مردم امکان وقوع بزه احتکار وجود دارد؟

به‌نظر مشهور فقها، منظور از طعام مورد بحث، غلات اربع (یعنی گندم، جو، کشمش، و خرما) است، منتها روغن حیوان و روغن زیتون نیز در برخی روایات ذکر شده‌است. به‌نظر آن فقهای که معتقدند احتکار یک حکم شرعی است، نه حکومتی، موضوع بزه احتکار شامل این دسته از طعام می‌شود و لاغیر. اما همان‌طور که در مبحث حکم حکومتی بودن بزه احتکار بحث شد، چون احتکار یک حکم حکومتی است، در نتیجه براساس صلاح‌دید حاکم اسلامی، کالاهای ضروری و مورد نیاز افراد جامعه، چه غلات باشد چه آهن چه سیمان و ... همگی می‌توانند موضوع بزه احتکار قرار گیرند. آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی در این باره می‌گویند: «حرام بودن احتکار در زمان ما، منحصر به گندم، جو، خرما، کشمش و روغن زیتون نیست، بلکه شامل هر نوع کالا و خدمتی است که شدیداً مورد نیاز مردم باشد و از نبودن آن، در مضیقه و سختی قرار گیرند.» (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸: ۴۲۷)

همچنین صاحب جواهر می‌گوید: «لا إحتکار فی الزیت إلا فی الشامات، و لا فی الملح إلا فی مواضع یعتاد استعماله فیها، و هكذا ولو فهمنا إرادة الحاجة لما كان معتاداً فی طعام نوع الإنسان لم یکن احتکار فی الشعیر فی أكثر بلدان ایران، ولو اعتاد الناس طعاماً فی أيام القحط مبتدعاً جرى فيه الحكم لو بنى فيه على العلة و فی الأخبار ما ینادی بأن المدار على الاحتیاج؛ تنها در شامات، احتکار بر روغن مایع صدق می‌کند. اگر [حدیث را] چنین بفهمیم که منظور از احتکار، آن چیزی است که به‌طور معمول، انسان در غذای خود بدان نیاز دارد، در اغلب شهرهای ایران، احتکار بر جو صدق نمی‌کند. اگر مردم در ایام قحطی، به غذایی تازه عادت کرده‌اند، این حکم در آن هم جریان دارد، اگر علت [صدور حکم] بر مبنای نیاز مردم باشد. و در اخبار آمده که ملاک احتکار نیاز است.» (النجفی الجواهری، ۱۳۶۲: ۴۸۳/۲۲)

در قانون ایران نیز بند الف ماده ۱ قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان (مصوب ۶۷/۱/۲۳) تنها از ارزاق موردنیاز عامه مردم، یعنی گندم، جو، کشمش، خرما، روغن حیوانی و روغن نباتی، نام برده بود و از سایر اقلام ضروری اسمی به‌میان نیاورده بود. اما قانون‌گذار در ماده ۴ قانون تعزیرات حکومتی (مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳)، که پس از قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان تصویب شد، موضوع بزه احتکار را محدود به ارزاق ندانسته و از واژه عام «کالا» استفاده کرده‌است. همین رویه، یعنی استفاده از واژه عام «کالا»، در ماده ۶۰ قانون نظام صنفی نیز ادامه پیدا کرده‌است.

### شرایط بزه احتکار

امیرالمؤمنین (ع) در عهدنامه مالک اشتر فرموده‌اند: «وَ اعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ، أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحْتِشَاءً وَ شَحًا قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مَصْرَةٌ لِلْعَامَةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاءِ. فَامْنَعُ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنَعَ مِنْهُ. وَ لِيَكُنَّ الْبَيْعُ بَيْعًا سَمَحًا بِمَوَازِينِ عَدْلٍ وَ أَسْعَارٍ، لَا تُجْحِفُ بِالْفَرِيقَيْنِ مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ. فَمَنْ قَارَفَ حَكْرَةً بَعْدَ نَهْيِكَ إِيَّاهُ فَتَنَكَّلْ بِهِ، وَ عَاقِبْهُ فِي غَيْرِ إِسْرَافٍ؛ بدان در میان بازرگانان، افراد زیادی وجود دارند که بد معامله می‌کنند و بخیل‌اند و به دنبال احتکار منافع‌اند. آنان در پی منفعت خود هستند و اجناس را به هر بهایی می‌فروشدند. سودجویی و گران‌فروشی به زیان مردم و موجب عیب‌گیری بر والیان است. از احتکار جلوگیری کن، چراکه رسول

خدا □ از آن نهی فرمود و هرکس پس از منع، دست به احتکار زد، او را مجازات کن و عبرت دیگران قرار ده؛ البته در کیفر زیاده روی مکن.» (نامه ۵۳ نهج البلاغه)

حضرت رسول □ درباب ناپسندی احتکار می‌فرماید: «أَيُّمَا رَجُلٍ اشْتَرَى طَعَامًا فَكَيْسَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا يَرِيدُ بِهِ غَلَاءَ الْمُسْلِمِينَ، ثُمَّ بَاعَهُ فَتَصَدَّقَ بِثَمَنِهِ لَمْ يَكُنْ كَفَّارَةً لِمَا صَنَعَ؛ هرکس خوراکی را بخرد و برای این که آن را به مسلمانان گران بفروشد، چهل روز انبار کند و پس از چهل روز، آن را بفروشد و همه درآمد آن را هم صدقه بدهد، کفاره گناه او نخواهد شد.» (المحمدی الری شهری، ۱۴۱۶: ۱۷۲/۳)

همان‌طور که از دو روایت فوق برمی‌آید و براساس نظر فقها، برای این که فرد محکوم را بتوان مجازات کرد، شرایطی باید رعایت شود (محقق حائری، ۱۳۸۳: ۱۹۷/۱):

اولاً کالا و یا در کلام برخی از فقها، طعامی باید حبس گردد.

ثانیاً پس از درخواست حاکم برای عرضه کالا، محکوم از عرضه کالا خودداری کند.

ثالثاً محکوم باید قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه یا قصد براندازی داشته باشد.

از نظر قوانین جزایی ایران، ابتدا در ماده ۱ قانون تشدید مجازات محکومان و گران‌فروشان، تنها دو شرط «جمع و نگهداری ارزاق موردنیاز و ضروری عامه مردم» و «به قصد افزایش قیمت» برای وقوع بزه احتکار لازم بود که با تصویب قانون تعزیرات حکومتی، در ماده ۴ و پس از آن، در ماده ۶۰ قانون نظام صنفی، شرایط وقوع بزه احتکار منوط به سه شرط شده است:

۱) نگهداری کالا به صورت عمده؛

۲) امتناع از عرضه کالا، پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف مراجع ذی‌صلاح؛

۳) قصد محکوم باید گران‌فروشی یا اضرار به جامعه باشد.

در نتیجه صرف نگهداری کالا به صورت عمده یا حتی نگهداری عمده همراه با قصد اضرار به جامعه یا گران‌فروشی، بدون درخواست عرضه از طرف مراجع ذی‌صلاح نمی‌تواند بزه احتکار را شکل دهد و حتی شروع به احتکار هم محسوب نمی‌شود. همین مسئله سبب شده است تا مرتکبین احتکار راه فراری از مجازات پیدا کنند.



## قیمت عادلانه

در قیمت‌گذاری کالای احتکارشده، بین برخی از فقها اختلاف پیش آمده‌است. برخی معتقد به این هستند که حکومت می‌تواند پس از الزام محتکر به فروش کالای خود، قیمت عادلانه را نیز برای عرضه تعیین کند، اما گروهی از فقها معتقدند که حکومت نمی‌تواند شخص محتکر را مجبور به فروش کالای خود با یک قیمت مشخص نمایند.

امام صادق از امام باقر و امام باقر از امام سجاد نقل می‌کنند: «مرّ رسول الله ﷺ بالمحتکرین فأمر بحکرتهم أن یخرج إلی بطون الأسواق و حیث تنظر الأبصار الیها. فقیل لرسول الله ﷺ: "لو قومت علیهم." فغضب ﷺ حتی عرف الغضب فی وجهه و قال: "أنا أقوم علیهم؟ إنما السعر إلی الله عز و جل یرفعه إذا شاء و ینخفضه إذا شاء"؛ روزی رسول خدا ﷺ بر محتکران گذشت. فرمان داد آنچه را احتکار کرده‌اند به بازار آورده، در معرض دید همگان قرار دهند. به آن حضرت عرض شد: "ای کاش بر آن‌ها قیمت تعیین می‌کردی." آن حضرت خشمگین شد، به‌نحوی که آثار غضب در چهره‌اش آشکار گردید و فرمود: "ایا بر آن‌ها قیمت بگذارم؟ قیمت‌ها دست خداست، هر وقت بخواهد، بالا می‌برد و هرگاه اراده کند، پایین می‌آورد."» (صدوق، ۱۴۲۳: ۳۸۸)

همچنین امام علی ﷺ در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، خطاب به مالک اشتر فرمودند: «بدان در میان بازرگانان، افراد زیادی وجود دارند که بد معامله می‌کنند و بخیل‌اند و به‌دنبال احتکار منافع‌اند. آنان در پی منفعت خود هستند و اجناس را به هر بهایی می‌فروشند. سودجویی و گران‌فروشی به زیان مردم و موجب عیب‌گیری بر والیان است. از احتکار جلوگیری کن، چراکه رسول خدا ﷺ از آن نهی فرمود و هرکس پس از منع، دست به احتکار زد، او را مجازات کن و عبرت دیگران قرار ده؛ البته در کیفر زیاده روی مکن.»

اکنون نظر برخی فقهای که معتقدند حکومت می‌تواند برای عرضه کالای احتکارشده قیمت‌گذاری کند را با هم می‌خوانیم:

«بخشی از وظایف نظارتی دولت بر نظام اقتصادی و بازار، مربوط به جلوگیری از احتکار و اجحاف به مردم است که نخست محتکران را به همکاری با مردم و فروش عادلانه اجناس توصیه می‌کند و در صورت سرپیچی محتکران، دستور می‌دهد اموالشان را به بازار آورده و در معرض فروش (با قیمت عادلانه) قرار دهند. افزون بر این، دولت می‌تواند با ایجاد رقابت و

وارد کردن کالا، انحصار بازار را بشکنند و جلوی سودجویی عده‌ای خاص را بگیرد.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۳۰۴/۲)

«حکومت صالح می‌تواند محتکر را به عرضه نمودن کالای مورد احتکار و فروش آن (بدون اجحاف) ملزم نماید و چنانچه محتکر از عرضه نمودن کالا امتناع نماید، حکومت صالح می‌تواند علاوه بر تعزیر عادلانه و متناسب با محتکر، کالای احتکارشده را به فروش برساند و پول آن را به صاحب آن بپردازد.» (موسوی اردبیلی، ۱۳۸۸: ۴۲۸)

همچنین برخی از فقهای عامه نیز چنین نظر دارند:

«فإنه يجوز للحاكم أن يمنع بيع أو تسعير دفعا للضرر؛ حاكم می‌تواند از راه فروش اموال احتکارشده یا قیمت‌گذاری بر آن‌ها، از ضرر و زیان جامعه پیش‌گیری کند.» (زحیلی، ۱۴۰۹: ۴۹۹۶/۷)

درمقابل «گروهی از فقیهان، قیمت‌گذاری را غیرمجاز دانسته‌اند، از جمله شیخ طوسی در *النهاییه* (ص ۳۷۴) و *المبسوط* (ج ۲، ص ۱۹۵)، ابن‌زهرة در *الغنیة (الجوامع الفقهیة)*، ص ۵۲۸، محقق حلی در *الشرائع* (ج ۲، ص ۲۱)، علامه حلی در *القواعد* (ج ۱، ص ۱۳۲) و *المختصر* (ص ۱۲۰). حتی در *مفتاح‌الکرامه* (ج ۴، ص ۱۰۹)، این نظر اجماعی دانسته شده و چنین آمده: "به دلیل اجماع و خبرهای متواتر، آن‌گونه که در *السرائر* آمده، و نبودن اختلاف میان مسلمانان در این مسئله، چنانکه در *المبسوط* آمده، و نبودن اختلاف میان شیعیان در این مسئله، آن‌سان که در *التذکره* آمده است." مرحوم خوبی پس از فتوا دادن به جایز نبودن قیمت‌گذاری، گفته است: "آری، اگر فروشنده در قیمت‌گذاری اجحاف کند، چندان که گونه‌ای از احتکار شمرده شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری می‌کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا قدری بیشتر، که در حدّ توان خرید مردم باشد، آن کالا را بفروشد. مثلاً اگر بهای یک کیسه گندم صد فلس باشد و احتکارکننده آن را به دو دینار بفروشد، این کار نیز نوعی احتکار است، چنان که پوشیده نیست." (*مصباح‌الفقاهه*: ج ۵، ص ۵۰۰) (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷: ۷۵/۱۳)

به نظر می‌رسد که براساس قاعده «الجمع مهمما امکن اولی من الطرح»، در مقام جمع این دو دسته دیدگاه، در شرایط عادی، کسی حق قیمت‌گذاری ندارد و قیمت را بازار تعیین می‌کند. اما در شرایط احتکار، انحصار و تبانی، محتکر و انحصارگر به عرضه کالا موظف می‌شوند و در صورت امتناع محتکر و

انحصارگر از فروش به قیمت عادلانه، به کاهش قیمت وادار می‌شوند. در صورت امتناع از قیمت عادلانه، برای او قیمت تعیین می‌شود و در موارد تعیین قیمت، با مراجعه به دیدگاه کارشناسی، قیمت‌ها به گونه‌ای عادلانه تعیین می‌شوند که به هیچ‌یک از فروشنده و خریدار اجحاف نشود.

### تزاحم قاعده تسلیط و قاعده لاضرر در احتکار

بنابر قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم»، مالک می‌تواند هرگونه تصرفی را در ملک خود به عمل آورد، بدون این‌که کسی حق ایجاد مزاحمت برای او را داشته باشد (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۱۹۸). در اینجا، محتکر بر مال خود می‌تواند هرگونه تصرفی داشته باشد، از جمله نگهداری طولانی مدت آن یا حتی اتلاف آن و کسی هم نمی‌تواند متعرض او بشود. اما چنانچه تصرف و استفاده محتکر از مالش باعث ضرر دیگران شود، قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم» با قاعده «لاضرر و لااضرار فی الإسلام»، در بزه احتکار، تزاحم پیدا می‌کند.

تصرفات مالک در ملک خود باید عقلایی باشد و در ورای این‌گونه تصرفات عقلایی، چنانچه مالک در ملک خود اقدامی بکند، عقلا بر آن صحه نمی‌گذارند و چنین تصرفاتی اعتبار نخواهند داشت (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۲۰۱).

در نتیجه به دلیل این‌که عقلا بر افعال محتکر صحه نمی‌گذارند، چنین افعالی اعتبار نخواهند داشت و بدیهی است که در چنین مواردی، در تزاحم قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم» با قاعده «لاضرر و لااضرار فی الإسلام»، قاعده لاضرر مقدم خواهد شد و محتکر مجبور به عرضه کالای خود در بازار خواهد شد.

### احتکار در قوانین قبل از انقلاب اسلامی

نخستین بار در قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۷ کشور (مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۶) و درباره احتکار کالای انحصاری دولت بود که از مجازات احتکار در قوانین ایران سخن به میان رفت. به موجب ماده ۱۰ این قانون، برای محتکر، حبس تأدیبی (از ۲ ماه تا ۱ سال) و یا تأدیة غرامت و همچنین ضبط کالای مورد احتکار به نفع دولت پیش‌بینی شده بود. پس از آن، در سال ۱۳۱۸، قانونی در دو ماده، راجع به احتکار تصویب شد که به موجب ماده ۲ آن، محتکر به حبس تأدیبی دو ماه تا شش ماه یا پرداخت جزای نقدی

محکوم می‌شد و پس از مدتی، در سال ۱۳۲۰، «قانون راجع به جلوگیری از احتکار» تصویب شد که طبق این قانون، احتکار در کالاهای ضروری امکان تحقق دارد که مجازات محتکر را در بار اول، ضبط عین کالا و حبس سه تا شش ماه و جزای نقدی معادل یک برابر کالای احتکارشده و برای بار دوم، علاوه بر ضبط عین کالا، به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی معادل دو برابر قیمت کالای احتکارشده قرار داده‌است.

قانون مجازات پیشه‌وران و فروشندگانی که کالای خود را مخفی می‌کنند یا گران می‌فروشند (مصوب ۱۷ شهریور ۱۳۲۲) بخشی از لایحه قانونی مجازات متخلفین از مقررات قانون نظام صنفی (مصوب ۹ بهمن ۱۳۵۱) و قانون تنظیم توزیع کالاهای مورد احتیاج عامه و مجازات محتکران و گران‌فروشان (مصوب ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۲) از جمله قوانینی هستند که قبل از انقلاب اسلامی تصویب شده‌اند.

### هم‌پوشانی احتکار و افساد فی الارض

به موجب ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

احتکار با سه دسته از موارد ذکرشده در ماده ۲۸۶ قانون مجازات می‌تواند هم‌پوشانی داشته باشد تا شخص محتکر مفسد فی الارض نیز شناخته شود:

#### (۱) جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد: در صورتی که محتکر کالاهایی را در حد وسیع و

گسترده احتکار کند که مربوط به سلامت مردم جامعه باشند و با درخواست مراجع ذی‌صلاح، آن‌ها را عرضه نکند و از این طریق، باعث ورود عمده خسارت به تمامیت جسمانی افراد شود، شخص محتکر می‌تواند مفسد فی الارض نیز شناخته شود. به‌عنوان مثال، چنانچه در جریان

همه‌گیری کرونا، محترکین ماسک یا واکسن موردنیاز عموم جامعه پس از درخواست مراجع ذیصلاح، کالای خود را به قصد گران‌فروشی یا ضرر زدن به جامعه، به بازار عرضه نکنند و از این طریق، باعث خسارت عمده بر تمامیت جسمانی افراد جامعه شوند، می‌توان آن‌ها را مفسد فی الارض شناخت و به مجازات اعدام محکوم کرد.

**۲) جرایم علیه امنیت داخلی کشور:** در صورتی که محترک، کالاهایی را که در حد وسیع و گسترده اختکار کرده است به منظور براندازی یا ضرر زدن به امنیت کشور باشد و پس از درخواست از طرف مراجع ذیصلاح آن‌ها را در بازار عرضه نکند و از این طریق باعث اختلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی شود می‌توان او را مفسد فی الارض شناخت و به مجازات اعدام محکوم کرد.

**۳) اختلال در نظام اقتصادی کشور:** بارزترین هم‌پوشانی بزه اختکار با بزه افساد فی الارض از طریق اختلال در نظام اقتصادی کشور است که محترک به وسیله اختکاری که در حد وسیع و گسترده انجام داده‌است، باعث اختلال شدید در نظم عمومی کشور شود و نظام اقتصادی را برهم بزند. بر این اساس می‌توان او را مفسد فی الارض شناخت و به مجازات اعدام محکوم کرد.

### اختکار به عنوان جرم یقه سفید

ساترلند می‌گوید: «همان‌گونه فقر می‌تواند عاملی برای ارتکاب و انحراف باشد، ثروت و قدرت و موقعیت اجتماعی و سیاسی بالا نیز می‌تواند جرم آفرین باشد.»

اگرچه بزه اختکار توسط هر شخصی که اندکی سرمایه و ثروت داشته باشد امکان تحقق دارد، اما این بزه در میان صاحبان قدرت، که از رانت‌های اطلاعاتی - اقتصادی (نظیر کمبدها یا قحطی‌های پیش‌رو) اطلاع دارند، یا صاحبان ثروت، که به صاحبان قدرت متصل هستند و از رانت‌های اطلاعاتی - اقتصادی آن‌ها سوءاستفاده می‌کنند، یا صاحبان ثروتی که به مراکز و مقامات تصمیم‌گیر کشور در سطح کلان نزدیک هستند و می‌توانند با صدور دستوراتی، شرایط را برای بزه اختکار خود مهیا کنند و از این طریق سودجویی کنند، بیشتر دیده می‌شود.

در قوانین جزایی فعلی ایران، متأسفانه تاکنون قانون مؤثری راجع به سوءاستفاده صاحبان قدرت و ثروت از رانت‌های اطلاعاتی - اقتصادی خود، به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است و نظام اقتصادی ایران از سوءاستفاده از این رانت‌های اطلاعاتی - اقتصادی، ضربات زیاد و سنگینی خورده است.

شایسته بود که نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی علاوه بر جرم‌انگاری سوءاستفاده از رانت‌های اطلاعاتی - اقتصادی توسط مسئولان، با تصویب قوانین مرتبطی، مثل ممنوعیت فعالیت اقتصادی مشابه با موضوع مشابه با فعالیت مدیریتی مسئولان، توسط مسئولان دارای رانت اطلاعاتی یا خانواده یا نزدیکان آن‌ها، زمینه‌های موجود برای ارتکاب این بزه مخرب نظام اقتصادی را محدودتر می‌کردند. همچنین براساس آیه ۳۰ سوره احزاب، که می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا؛ ای همسران پیامبر! هرکس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است»، و برخی تفاسیر آن، مثل این تفسیر: «شما (همسران پیامبر) در خانه وحی و مرکز نبوت زندگی می‌کنید. آگاهی شما در زمینه مسائل اسلامی، با توجه به تماس دائم با پیامبر خدا، از توده مردم بیشتر است. به علاوه دیگران به شما نگاه می‌کنند و اعمالتان سرمشقی است برای آن‌ها. بنابراین گناهتان در پیشگاه خدا عظیم‌تر است، چراکه هم ثواب و هم عذاب بر طبق معرفت و میزان آگاهی و همچنین تأثیر آن در محیط داده می‌شود. شما، هم سهم بیشتری از آگاهی دارید و هم موقعیت حساس‌تری از نظر تأثیر گذاردن روی جامعه. از همه این‌ها گذشته، اعمال خلاف شما از یک سو، پیامبر را آزرده خاطر می‌سازد و از سوی دیگر، به حیثیت او لطمه می‌زند. و این خود گناه دیگری محسوب می‌شود و مستوجب عذاب دیگری است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۰۵/۱۷) همان‌طور که مجازات همسران پیامبر در صورت ارتکاب جرم یا گناه دوبرابر است (زیرا به دلیل نزدیک بودن به پیامبر، به اطلاعاتی دسترسی دارند و همچنین عملکرد آن‌ها آبروی پیامبر اکرم (ص) محسوب می‌شود)، می‌طلبید که مجازات مسئولانی که از رانت‌های اطلاعاتی خود سوءاستفاده می‌کنند نیز دوبرابر باشد تا عاملی بازدارنده برای آن‌ها، در جهت ارتکاب بزه اقتصادی، از جمله احتکار باشد.

همچنین با توجه به افزایش بزه احتکار در جامعه (که با هدف گران‌فروشی یا ضرر به جامعه اتفاق می‌افتد) و قدیمی و کلی بودن مواد راجع به احتکار، می‌طلبید که در مواد قانونی این جرم اقتصادی،

بازنگری شود و ضوابط دقیق‌تر و جزئی‌تر و سخت‌گیرانه‌تری در نظر گرفته شود تا زمینه‌های ارتکاب این بزه به حداقل برسد و دست مقامات قضایی برای تعقیب فوری مرتکبین جرم احتکار، بازتر از قبل شود.

### نتیجه‌گیری

احتکار یک جرم اقتصادی با آثاری مخرب برای نظام اقتصادی جامعه است. از نظر نگارنده، احتکار یک حکم حکومتی است و موضوع بزه احتکار محدود به غلات اربع نیست، بلکه براساس صلاح‌دید حاکم می‌توان هر نیاز ضروری مردم جامعه را موضوع بزه احتکار قرار داد.

از میان فروض مقاصد لازم برای وقوع بزه احتکار (که عبارت‌اند از قصد گران‌فروشی به‌تنهایی، با قصد گران‌فروشی یا ضرر زدن به جامعه، آینده‌نگری برای کمک به جامعه مسلمانان و ترس از عدم توانایی خرید در آینده)، قصد گران‌فروشی یا قصد اضرار به جامعه، به‌عنوان قصد لازم برای بزه احتکار، در این مقاله پذیرفته شده‌است که قانون‌گذار به‌درستی این قصد را برای بزه احتکار لازم دانسته‌است.

بزه احتکار در صورتی به‌وقوع می‌پیوندد که سه شرط «نگهداری و حبس عمده کالا»، «قصد گران‌فروشی یا ضرر به جامعه» و «درخواست مراجع ذی‌صلاح برای عرضه» وجود داشته باشد و محتکران از عرضه کالاهای موردنیاز مردم، پس از درخواست، سر باز بزنند.

براساس قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح»، در مقام جمع دیدگاه‌های قیمت‌گذاری، در شرایط عادی، کسی حق قیمت‌گذاری ندارد و قیمت را بازار تعیین می‌کند، اما در شرایط احتکار، انحصار و تبانی، محتکر و انحصارگر به عرضه کالا موظف می‌شود و در صورت امتناع محتکر و انحصارگر از فروش به قیمت عادلانه، به کاهش قیمت وادار می‌شود. در صورت امتناع از قیمت عادلانه، برای او قیمت تعیین می‌شود و در موارد تعیین قیمت، با مراجعه به دیدگاه کارشناسی، قیمت‌ها به‌گونه‌ای عادلانه تعیین می‌شود که به هیچ‌یک از فروشنده و خریدار اجحاف نشود.

در بزه احتکار، دو قاعده «الناس مسلطون علی أموالهم» و «لاضرر و لااضرار فی الإسلام» تراجم پیدا می‌کنند. ازسویی محتکر مسلط به اموالش می‌باشد و کسی نمی‌تواند متعرض او شود و ازسویی تسلط و استفاده او از مالش، به ضرر مردم جامعه است. در مقام حل این تراجم، قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط مقدم می‌شود و محتکر موظف به فروش مالش می‌شود.

بزه احتکار از سه طریق می‌تواند با بزه افساد فی الارض هم‌پوشانی داشته باشد:

- (۱) جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد: محتکر با احتکار وسیع و گسترده کالاهای ضروری و مرتبط با سلامت مردم، باعث خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد می‌شود.
- (۲) جرایم علیه امنیت داخلی کشور: محتکر با احتکار وسیع و گسترده خود، باعث اختلال شدید در نظم عمومی کشور و ناامنی شود که می‌توان محتکر را به افساد فی الارض نیز محکوم کرد.
- (۳) اختلال در نظام اقتصادی کشور: این مورد بارزترین موارد در هم‌پوشانی بزه احتکار با افساد فی الارض است. محتکر با احتکار گسترده و وسیع خود، باعث اختلال شدید در نظم عمومی و نظام اقتصادی کشور می‌شود و می‌توان او را مفسد فی الارض نیز شناخت و به مجازات اعدام محکوم کرد.

بزه احتکار یک جرم یقه‌سفید نیز هست. اگرچه احتکار ممکن است توسط هر شخص صاحب سرمایه‌ای اتفاق افتد، اما زمینه ارتکاب این بزه توسط صاحبان قدرت یا صاحبان سرمایه متصل به قدرت، به دلیل وجود رانت اطلاعاتی، بسیار بیشتر است.

راجع به قوانین بزه احتکار نیز نیاز است قانون‌گذار محترم سوءاستفاده صاحبان قدرت و ثروت از رانت‌های اطلاعاتی را جرم‌انگاری کند و همچنین به دلیل قدیمی بودن و کلی بودن مواد مربوط به بزه احتکار، نیاز به بازنگری و قانون‌گذاری دقیق‌تر و جزئی‌تر و سخت‌گیرانه‌تری برای کاهش زمینه‌های ارتکاب بزه احتکار وجود دارد، به‌ویژه در زمان حاضر، که درگیر یک جنگ اقتصادی هستیم و نیاز به آرامش در نظام اقتصادی کشور احساس می‌شود.



## منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۱). *المکاسب*. قم: دار الذخائر.
- خمینی، روح الله الموسوی (امام) (۱۳۶۸). *کتاب البیع*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۱). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- زحیلی، وهبه (۱۴۰۹). *الفقه الإسلامی و أدلته*. دمشق: دارالفکر.
- شهید ثانی (۱۴۱۴). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*. قم: مؤسسه معارف الإسلامیه.
- شیخ صدوق (۱۴۲۳). *التوحيد*. قم: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
- محقق حائری (۱۳۸۳). *ابتغاء الفضیله فی شرح الوسیله*. قم: مکتبه الطباطبایی.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۶). *قواعد فقه (بخش مدنی)*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- المحمدی الری شهری، الشیخ محمد (۱۴۱۶). *میزان الحکمه*. قم: دارالحديث.
- محمدی خراسانی، علی (۱۳۸۸). *کوثر فقه*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷). *حکمت نامه پیامبر اعظم*. گروه مترجمان. قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۹۰). *احکام معاملات*. قم: انتشارات محبان الحسین □.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۲۷). *دایره المعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب □.
- منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵). *دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه*. قم: نشر تفکر.
- موسوی اردبیلی، عبدالکریم (۱۳۸۸). *رساله توضیح المسائل*. قم: نجابت.
- النجفی الجواهری، الشیخ محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الكلام فی شرح شرايع الاسلام*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۵). *احکام اقتصادی*. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش های عقیدتی - سیاسی.